



موعود آخرالزمان در دین هندو

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۰۱

فیاض قرائی^۱

تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۰۶/۲۰

سعید کریم پور^۲

چکیده

طبق باورهای هندو، پس از گذشت چند دوره از زمان، دوره‌ای به نام «کلی یوگه» (آخرین مرحله از زمان) فرامی‌رسد و ظلم و شرارت بر عدل و نیکی غلبه می‌کند. در این دوره، یک منجی به نام «کلکی اوتاره» ظهور خواهد کرد و علیه ظلم و شرارت وارد نبرد شده و با نابود کردن بدکاران، جهان را دوباره از عدل و نیکی پر می‌کند و زمینه ورود بشریت به دوره‌ای جدید از ترقی و پیشرفت را فراهم می‌سازد. البته موعودباوری در دین هندو منحصر به انگاره «کلکی» نیست و با توجه به اینکه افرادی در قرون اخیر پیدا شده‌اند و خود را منجی موعود معرفی کرده‌اند، به نظر می‌رسد مفهوم «منجی» نزد هندوها تحت یک گونه‌شناسی قرار گرفته است. در این مقاله، ضمن بررسی مفهوم «اوتاره» و همچنین گونه‌شناسی موضوع منجی موعود در متون هندویی و بیان تأثیرگذاری این عقیده بر فرهنگ و جامعه هندو، دیدگاه‌های برخی از اندیشمندان را در تطبیق او بر شخصیت‌های مختلف نیز، به ویژه بر پیامبر اسلام ﷺ مورد نقد و بررسی قرار خواهیم داد.

واژگان کلیدی

هندوویزم، آخرالزمان، موعودگرایی، کلکی اوتاره.

۱. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (f.gharaei@um.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری ادیان و عرفان تطبیقی دانشگاه فردوسی مشهد (Saeed.karimpur@mail.um.ac.ir).

۱. پیشینه بحث

بحث آخرالزمان و موعود آن در سنت هندو، بحثی مهم و عمیق است و از جهت تطبیق با عقاید مشابه آن در سنت‌های دینی دیگر نیز اهمیت دارد. پیش‌ازین، صادق ابوطالبی با انتشار مقاله «گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در آیین هندو» نخستین گام را در معرفی تخصصی موضوع به پژوهشگران فارسی‌زبان برداشت. مقاله حاضر، با ارائه جزئیاتی بیشتر و تکمیل مقاله پیشین، چشم‌اندازهایی نوین را پیش روی خوانندگان قرار می‌دهد.

۲. موعودگرایی در دین هندو

اندیشه منجی موعود، یکی از آموزه‌های کهن دین هندو است. البته هیچ‌نشانی از این اندیشه در وداها به چشم نمی‌خورد؛ بنابراین، جزء آموزه‌های اولیه و متقدم هندو نیست؛ اما اشاراتی به آن در متنی قدیمی همچون مهابارت، نشان می‌دهد که این عقیده از قدیمی‌ترین آموزه‌های هندو نیز متأخر است. البته بیشترین نقش در تکوین و بسط این عقیده را متون موسوم به «پورانها»^۱ داشته‌اند. دانشمندان درگذشته باور داشتند اعتقاد به ظهور منجی، پدیده‌ای متأخر در تاریخ تکامل ادیان است؛ اما مطالعات اخیر نشان می‌دهد که اعتقاد به منجی به هیچ‌وجه مختص جوامع دینی متمدن نیست، بلکه می‌توان آن را در جوامع بدوی هم یافت. اما این اعتقاد در برخی قبایل بدوی هندو، اعتقادی نسبتاً جدید است که تأثیر سایر ادیان، از جمله مسیحیت، در آن پیداست. در دوران معاصر در میان قبایل هندو، ظهور چند مدعی را به‌عنوان «منجی موعود» شاهد بوده‌ایم (Fuchs, 1965: 11-62).

۳. آموزه «اوتاره» در دین هندو

اعتقاد به منجی آخرالزمان (انتیم رشی^۲ یا آخرین قدیس) با اعتقاد به آموزه‌ای به نام «اوتاره»^۳ (تنزل خدا)^۴ پیوند خورده است. این کلمه، در زبان سنسکریت به معنی کسی است

۱. «پورانها» (purāna) در لغت و معنای عام کلمه، به امور مربوط به گذشته اطلاق می‌شود و به معنای خاص، داستان قدیمی یا دستورالعمل دینی و یا تاریخ باستانی است (Monier-Williams, 1960: 651; Basham, 1986: 301).

2. Antim Rṣi.

3. the Avatāra.

4. 'descent' of Viṣṇu. See: Flood, 2002: 116.

که به عالم زمینی، نزول یافته باشد (Jones, 2007: 57) و در واقع، به «خدای بازتجسد یافته»^۱ اطلاق می‌شود: «اوتاره» یا «اوتاره»، تجسد دوباره یک خدا بر زمین به شکل حیوان یا انسان است» (Coulter, 2000: 258).^۲ به‌طور کلی، از سه مذهب عمده رایج در هند (ویشنوی، شیوه‌ای، و شاکته‌ای)، مذهب ویشنوی بیش از بقیه به موضوع منجی پرداخته است و آموزه «اوتاره» نیز با آنکه دارای معنای عام است، اما عمدتاً به خدای مورد پرستش در همین مذهب تعلق دارد (Klostermaier, 2003: 33). عقیده به تجسد خدایان از عقاید کهن هندو است و قدیمی‌ترین اشاره به آن را می‌توان به‌طور غیرمستقیم در وداها یافت.^۳ شاید این آموزه، از عقاید بودایی و جینی درباره بوداها^۴ و تیرتکره‌ها^۵ اخذ شده باشد (Basham, 1967: 304). اوتاره‌ها صرفاً بدنی ظاهری دارند نه واقعی و آنان هرگز به دنیا نیامده و از دنیا نیز نمی‌روند (Klostermaier, 2003: 33).

ویشنو پرستان معتقدند هرگاه بدی فراگیر شود و فضیلت رو به افول نهد، ویشنو بر زمین فرود می‌آید تا دوباره نظم را برقرار سازد (Ellwood, 2007: 41). به‌طور سنتی، هندوها ده اوتاره برای ویشنو قائل شده‌اند^۶ که آخرین و مهم‌ترین آن‌ها، «کلکی» (کلکین)^۷ است. این ده اوتاره،

1. reincarnated deity.

۲. البته اصطلاح «اوتاره» امروزه در فرهنگ هندی برای حکیمان روشن ضمیر هم استفاده می‌شود (Jones, 2007: 57).
 ۳. ریگ ودا، ویشنو را این گونه معرفی می‌کند: «نگه‌دارنده شکست‌ناپذیر، همان‌که از روی این [جهان] با یک‌گام گذشت، و در سه جا گام خود را کاشت». مفسران هندو عموماً منظور از «سه جا» را زمین، هوا و آسمان دانسته و می‌گویند ویشنو در زمین به صورت آتش، در هوا به صورت تندر و در آسمان به صورت آفتاب درمی‌آید. ساینه (Sāyana)، مفسر بزرگ هندو در قرن چهاردهم میلادی، این جمله ریگ ودا را صراحتاً به تجسد ویشنو تفسیر کرده است. اشاره دیگر به مفهوم اوتاره را می‌توان در تیتیریه سنهیتا (Taittirīya Sanhitā) یافت، آنجا که می‌گوید: «این‌درا، در هیئت یک ماده شغال درآمد و با سه‌گام بر زمین قدم برداشت» (Dowson, 1888: 33-34).

4. Buddhas.

5. Tirthankaras.

۶. این ده اوتاره، به ترتیب عبارتند: ۱- مَتسیه یا ماهی (Matsia)؛ ۲- کورمه یا لاک پشت (Kūrma)؛ ۳- وراهه یا گراز (Varāha)؛ ۴- نَره سینَه یا انسان‌شیر (Nara-Synha)؛ ۵- وامنه یا کوتوله (Vāmana)؛ ۶- پَرَسو رَامه یا رامه تبر به‌دست (Parasu Rāma)؛ ۷- رامه (Rama)؛ ۸- کرشنه (Krṣṇa)؛ ۹- بودا (Buddha)؛ ۱۰- کلکی یا کلکین (Kalki, Kalkin) (Ramen, 2008: 20-21). عده‌ای عیسی را نیز تجسمی از ویشنو دانسته‌اند، اما مسیحیان عموماً این نظر را رد می‌کنند (Ellwood and Alles, 2006: 41).

7. Kalki (Kalkin).

مأموریت و کارکردهایی متفاوت با یکدیگر دارند. اولین اوتاره‌ها به شکل حیوان و آخرین اوتاره‌ها به شکل انسان هستند (ایونس، ۱۳۸۱: ۴۱). تصاویری از همه ده اوتاره بر اساس داستان‌های مندرج در متون هندو، در دو حجاری از قرن هشتم میلادی در معبد شهر کانچیپورام^۱ در جنوب شرقی هند، دیده می‌شود (Hudson, 2008: 333-340). آموزه اوتاره، به صورت تنزل خدا در هیئتی مادی برای برقراری نظم الهی در جهان، در عبارت مشهوری از منظومه کهن مهابارته (۷-۸: ۴) به روشنی بیان شده است:

«آنجا که نیکوکاری از رونق بیفتد و تبه‌کاری بالا گیرد، من خویش را پیش می‌فرستم تا از نیکان محافظت کنم و شریران را مجازات نمایم و بنیانی محکم برای راستی پی‌افکنم. من در هر دور پیدا آیم» (Jones, 2005: 707).

۴. کلکی اوتاره (موعود هندو)

تقریباً همه متون هندو که به موعود آخرالزمان اشاره کرده‌اند، او را با نام «کلکی»^۲ (कल्कि) معرفی می‌کنند. پژوهشگران عمدتاً واژه «کلکی» را مأخوذ از ریشه «کلکه»^۳ (कल्क) به معنی «پلیدی» دانسته‌اند؛ در نتیجه آن را به معنی «پلید» و «گنه‌کار» می‌دانند (چنان‌که در روایات جینی با همین معنا استفاده می‌شود). البته در مورد اوتاره‌ها چنین کاربردی قابل‌پذیرش نیست (Brockington, 1998: 287). اُتو شرادر^۴ لغت‌شناس آلمانی (شاید با توجه به اسطوره کلکی که او را سوار بر اسب سفید معرفی می‌کند) معتقد است که واژه «کلکی» در اصل به صورت «کرکی»^۵ (مأخوذ از کرکه^۶ به معنی «سفید») بوده و بعداً تغییرات لفظی پیدا کرده است (Brockington, 1998: 287, footnote 126). مؤید این گمان، دو نسخه خطی از مهابارته است که واژه فوق را به صورت کرکی (به جای کلکی) ثبت کرده‌اند (Brockington, 1998: 287).

آموزه «کلکی اوتاره» در وداها وجود ندارد و قدیمی‌ترین مأخذ آن در دین هندو، متن حماسی «مهابارته» است؛ آن‌هم فقط در یک اشاره کوتاه در بخشی موسوم به

1. Kanchipuram.
2. Kalki.
3. kalka.
4. Otto Schrader.
5. Karki.
6. Karka.

«مارکندیه»^۱ می‌گوید و پیش‌تر به صورت کلکی بر زمین ظاهر خواهد شد (مه‌بارته، ۳: ۱۸۸: ۸۵؛ ۳: ۱۸۹: ۶) (Brockington, 1998: 287-288 and footnotes 126-127). البته در مورد اصالت بخش مذکور تردیدهایی وجود دارد (Brockington, 1998: 287) و همین سبب شده تا دانشمندان، آن را از الحاقات متأخر بدانند (Reimann, 2002: 97). این آموزه، در پورانه‌های بزرگ (مه‌پورانه‌ها)^۲ نیز انعکاسی اندک و ابهام‌آمیز دارد؛ مثلاً وایو پورانه^۳ در جایی موعود آخرالزمان را «کلکی» معرفی می‌کند (۲: ۳۶-۳۷) و جایی دیگر او را «پرامیتی»^۴ می‌نامد (۱: ۵۸) که به نظر می‌رسد دو شخصیت متفاوت باشند (Reimann, 2002: 112-113, note 39). به آموزه کلکی تنها در پورانه‌های کوچک (اوپاپورانه‌ها)^۵ با جزئیات زیاد اشاره شده است (در پورانه‌های کوچک، فقط از یک موعود صحبت شده و اوصاف پرامیتی، به کلکی نسبت داده شده است)؛ پس شاید این آموزه در زمان پیدایش پورانه‌های بزرگ هنوز رواج چندانی نداشته است (Dimmitt, 2012: 63-64). عقیده آخرالزمانی کلکی، احتمالاً طی قرون متمادی و در نتیجه مصائب ناشی از حملات اقوامی همچون سکاها و پارتی‌ها و تحت تأثیر باورهای اساطیری و رسوم آن اقوام (مانند رسم استفاده از اسبان سفید)، در متون هندو پدید آمده است (Doniger, 2004: 235; Sharma, 2012: 244-245). برخی نیز ریشه‌های موعودباوری هندو را در ادیان دیگر جست‌وجو کرده و گفته‌اند: «آموزه کلکی، یک آموزه التقاطی از موعودباوری همه ادیان باستانی (یهودیت، مسیحیت، زرتشت و غیره) است که هندوها با آنان تماس داشته‌اند» (Mitchiner, 2000: 76). البته این دو نظر، قابل جمع هستند. برخی پژوهشگران بر اساس توصیفاتی که در باگوته پورانه درباره کلکی آمده، او را نه یک اسطوره آخرالزمانی، بلکه یک شخصیت تاریخی دانسته‌اند که زمانی حاکم یکی از مناطق هند بوده است (Rocher, 1986: 111, footnote 53).^۶

1. mārkaṇḍeya.

2. the Mahapurāṇas.

3. Vayu purāṇa.

4. Pramiti.

5. the Upapurāṇas.

۶. رام شاران شارما (Ram Sharan Sharma)، دانشمند هندی، فهرستی از نظرات کسانی را که برای تطبیق کلکی و پرامیتی بر شخصیت‌های تاریخی تلاش کرده‌اند، ارائه داده است (Sharma, 1982: 197).

طبق باورهای هندو، در آخرین دوره تاریخ (کلی‌یوگه)، وقتی شرارت به اوج خود برسد و جامعه به‌سوی تباہی برود، یک «اوتاره» ظهور می‌کند و به اصلاح وضع جهان می‌پردازد.^۱ آخرین منجی در آئین هندو، «کلکی اوتاره» است که او را با نام نیکلنک اوتاره^۲ یا پرسریه^۳ هم می‌شناسند. او می‌آید تا درمه را که روبه‌زوال است دوباره بر زمین برقرار سازد (Pattanaic, 2003: 155). روز ظهور او را پرلکیه^۴ می‌خوانند. در برهمانده پورانه^۵ می‌خوانیم: «خود خدا با نام کلکی و ویشنویس^۶ متولد خواهد شد» (Shastri, 1988: 928-929). کلکی در متون هندو، با نام «شسته» (به معنی مجازات‌کننده) نیز معرفی شده است (Hudson, 2008: 333). خلاصه آنچه درباره کلکی در سنت کهن هندو آمده، این است که «مادر او اوجسیردنی^۷ همسر بیشنجون^۸ است. او در هیئت مردی غول‌پیکر، با سری به شکل اسب سفید ظاهر خواهد شد و درحالی‌که شمشیری آتشین با خود دارد، سوار بر اسبی سفید^۹ تمام آسمان را طی خواهد کرد. هدف او از بین بردن بدی و شرارت از روی زمین است. او بدکاران را نابود خواهد کرد و جهان از نو برای دوره ترقی ساخته می‌شود. در این روز، شیوه بر جهانی که فروپاشیده، خواهد رقصید و ویشنو نیز خواهد خوابید تا جهان دوباره زاده شود» (Coulter, 2000: 258).

در متون بودایی نیز می‌توان به «کلکی» اشاره کرد. طبق یک متن بودایی تبتی به نام «کالچکره»^{۱۰} (چرخ زمان) (متعلق به اوایل قرن یازدهم میلادی و متأثر از گسترش دین اسلام در شمال هند)، سلسله‌ای از فرمانروایان موسوم به کلکین‌ها بر سرزمینی رؤیایی به نام

۱. شخصیت دیگری نیز به نام کروپسَمی (Karuppasamy) یا «خدای تاریک» در سنت هندو وجود دارد که اوصافی بسیار شبیه کلکی برای او ذکر شده است؛ از جمله اینکه او نیز تجلی ویشنو است و از دست‌های او پدید آمده است. به همین دلیل به او کَیَنَر (Kaiyannar) به معنی «دست‌ساخته» نیز می‌گویند. البته، این خدا بیشتر مورد پرستش تامیل‌ها بوده و به عنوان موعود آخرالزمان نیز شناخته نمی‌شود.

2. Nikalank Avatāra.

3. Parasraya.

4. Pralaya.

5. Brahmānda Purāna.

6. Viṣṇuḥāṣas.

7. Awejsirdenee.

8. Bishenjun.

۹. در متون هندو از مرکب کلکی با عنوان دَوَدَتَه (Devadatta) یاد شده که معنایش «اسب سفید» است.

10. kalachakra.

شَمبَهله^۱ (که فرضاً در آسیای مرکزی قرار دارد)، حکومت می‌کنند که عنوان «کلکین» دارند. آخرین آن‌ها یعنی چَکَرین^۲ (فرمانده بزرگ) در آخرازمان سپاه عظیمی از اسب‌سواران و فیل‌سواران گرد می‌آورد که فرماندهانش فرمانروایان شَمبَهله و خدایان هندو خواهند بود. او با مسلمانان نبرد می‌کند و آن‌ها را شکست می‌دهد و پس از آن، همه مردم به آیین بودا درمی‌آیند و صلحی فراگیر در تمام جهان حکم‌فرما می‌شود (Lopez, 2015: 202-204). نیروهای کلکین در این جنگ، عبارت از عشق، بخشایش، همدردی و عدالت خواهند بود و او با این نیروها بر شقاوت، بدخواهی، حسد، دل‌بستگی و یأس که نیروهای دشمن او یعنی «ارباب وحشی شریر» هستند غلبه خواهد کرد (Schmidt-Leukel, 2017: 220-222). باین‌حال، ساکنان بَلتِستان^۳ در غرب تبت که در قرون پانزدهم و شانزدهم میلادی از آیین بودا به اسلام گرویدند، با تغییر دادن روایت بودایی، کلکین را دَجّال (فرمانروای شرارت) تلقی کرده و قائل شدند که وقتی مهدی (موعود اسلام) در آخرازمان ظهور کند، کلکین را شکست خواهد داد و تمام جهان به زیر پرچم اسلام درخواهد آمد (Schmidt-Leukel, 2017: 220-222).

در متون دینی سیک، به‌خصوص در «دَسَم گَرنت»^۴ نیز به «کلکی» با عنوان «نِهاکَلَنکی»^۵ اشاره شده است (Rinehart, 2011: 29-30). طبق این متن، کلکی آخرین نفر از چائوبیس اَوَتار^۶ (بیست‌وچهار اَوَتاره) خواهد بود که تجلی ویشنو است و خواهد آمد تا در آخرین نبرد، موسوم به دَرَم‌پود،^۷ نیروهای خیر را برای غلبه بر نیروهای شر رهبری کند (دَسَم گَرنت، Dhavan, 2011: 186) (۵۷۱-۵۷۰).

از آنجاکه همه نگاره‌ها و تندیس‌هایی که از کلکی در هند یافت شده، او را به شکل یک انسان با سر اسب‌گونه، یا انسانی سوار بر اسب نشان می‌دهند، به نظر می‌رسد در ذهن هندوها رابطه‌ای معنادار میان کلکی و اسب او وجود داشته است (ابوطالبی، ۱۳۹۳: ۷۴)؛ مثلاً تندیس

1. Shambhala.
2. Cakrin.
3. Baltistan.
4. Dasam Granth.
5. Nihakalanki.
6. Chaubis Avatar.
7. Dharmayudh.

کلکی در رانی کی وو^۱ در پتن^۲ (گجرات) که تماماً به رنگ سفید است، او را به صورت جوانی خوش سیما و سوار بر اسب نشان می‌دهد. در معبد پرمگورو^۳ در بوبانسوار^۴ (مرکز ایالت اودیسه^۵ در شرق هند) هم نقش برجسته‌ای از کلکی وجود دارد که سوار بر اسب است. در شهر چیپور، مرکز ایالت راجستان در جنوب غربی هند، معبدی با دو گنبد^۶ هست که در سال ۱۷۲۷ میلادی به دست راجه آن منطقه (سوامی جی سینگ)^۷ ساخته شده و متعلق به کلکی اوتاره است، و در گوشه آن، در اتاقکی گنبددار، مجسمه‌ای از یک اسب از سنگ مرمر درخشان برپاست. اسب، رو به سمت معبد است و گفته می‌شود که تندیس مرکب کلکی است. در ساختمان اصلی معبد هیچ مراسمی برگزار نمی‌شود و در آن از زمان ساخته شدن تاکنون بسته است و برای باز کردن آن در انتظار تولد کلکی اند (ابوطالبی، ۱۳۹۳: ۷۴).

در سنت هندو توجه چندانی به موضوع منجی موعود نشده و معابد، نگاره‌ها و تندیس‌هایی که به کلکی اوتاره اختصاص دارد، بسیار کم‌تعداد هستند. با وجود معابد بسیار زیادی که در هندوستان به نام قدیسان و اوتاره‌های مختلف هست، معبد کلکی در چیپور، تنها معبدی است که به نام او در تمام هند وجود دارد. عدم توجه به آموزه منجی موعود (کلکی اوتاره)، نشان‌دهنده جایگاه پایین آن در سنت تاریخی هندو است. شاید هم دلیل آن، نگرش خاص هندوها به مسئله حیات و زمان است که بیشتر توجه آنان را به دینداری و پرهیزگاری در زمان حاضر برای نجات از چرخه زادمرد (سنساره)^۸ معطوف کرده و سبب می‌شود توجه چندانی به آینده و آخرالزمان نداشته باشند (ابوطالبی، ۱۳۹۳: ۷۴). برخی نیز نتیجه می‌گیرند که آموزه منجی احتمالاً افزوده‌ای متأخر به اسطوره ویشنویی بوده است و شاید تحت تأثیر آموزه بودایی میتریه یا آموزه‌های زرتشتی مطرح شده است (Basham, 1967: 309). به‌هرحال، فراوان‌اند

1. Rani ki vav.

2. Patan.

3. Paramguru.

4. Bhubaneswar.

5. Odisha.

۶. این طرح دو گنبدی برای معبد، در هند بی‌نظیر است. گنبد کوچک‌تر را لاکشمی نیوس (منزلگاه لاکشمی) می‌خوانند که الهه و همسر ویشنو است و گنبد بزرگ‌تر هم متعلق به خود کلکی است.

7. Swami Jai Singh.

8. Samsara.

هندوهایی که منجی موعود (کلکی) را به طور جدی باور داشته و آمدن او را انتظار می‌کشند (Basham, 1967: 37). در دین هندو اعتقاد به یک منجی در آخرالزمان، پشتوانه‌ای برای دینداری و اخلاق دانسته می‌شود و روحانیان هندو برای حفظ اخلاق دینی و تقوای درونی در میان پیروان خود، از این آموزه بهره زیادی می‌برند. سوامی امرجیوتی،^۱ روحانی هندو، معتقد است اگر کسی واقعاً در انتظار ظهور کلکی است باید تمام کارهای روزمره خود را برای خدا انجام دهد (ابوطالبی، ۱۳۹۳: ۷۵).

در مورد گستردگی رسالت موعود هندویی، برخی گزارش‌ها نشان از جهان‌شمولی آن دارد و بعضی دیگر فقط ملت یا پیروان دینی خاص را مشمول اصلاحات وی معرفی می‌کنند. مثلاً در اگنی پورانه می‌خوانیم که او قانون اخلاقی را در طبقات اجتماعی چهارگانه به شیوه‌ای مناسب برقرار می‌سازد. طبقات اجتماعی از ویژگی‌های دین هندو است که بر اساس آن، افراد خارج از طبقات را «مِلچِه»^۲ (غیرآریایی = ناشریف) و حتی نجس (چنداله) می‌دانند. پس شاید بتوان گفت که موعودباوری دین هندو مانند خود این دین، قوم‌مدار است و منجی موعود آن نیز حتی اگر در پی نجات جهانیان باشد، آن را بر محور ارزش‌های طبقاتی هندویی قرار می‌دهد؛ مگر آنکه در مفاهیمی مانند «هندو» و «آریایی» دست به تأویل بزنی (ابوطالبی، ۱۳۹۳: ۷۴)؛ اما به‌طور کلی، موعود هندو دارای کارکرد کیهانی است. آرمان او (برقراری کامل درمه) فقط با پایان یافتن یک دوره تاریخ (مهایوگه) و بازگشتن به دوره اول از ادوار تاریخی چهارگانه (کرته یوگه) محقق خواهد شد. شرایط آرمانی که شاید بتوان آن را بهشت زمینی نامید، جز با بازگشت شکوهمند تاریخ و مجموعه‌ای از تحولات کیهانی فراهم نمی‌گردد؛ بنابراین ظهور موعود هندویی، با تغییرات مهمی در کل نظام عالم همراه خواهد بود (ابوطالبی، ۱۳۹۳: ۷۸-۷۹). در هندوییزم جدید، کلکی را نمادی از تمدن معنوی بشر در آینده دانسته‌اند (Werner, 2005: 57).

۵. کلکی اوتاره در متون هندو

متون هندویی همچون وایو پورانه (۹۹: ۳۹۶-۳۹۷)، متسیه پورانه (۲۷۳: ۲۷-۲۸) و برهمانده (۷۴: ۲۰۶-۲۰۷) فقط می‌گویند که کلکی، در «شامگاه»^۳ کلی‌یوگه، مِلچِه‌ها را نابود

1. Swami Amar Jyoti.

2. mlechcha.

3. twilight.

خواهد کرد. این سه متن هیچ اشاره‌ای به ویشنویشس^۱ یا روستای شمبله نمی‌کنند. ویشنو پورانه (۴: ۲۴ و ۲۹-۲۶) می‌گوید وقتی گلی‌یوگه نزدیک به انتهای خود برسد، «حصه‌ای» از واسودوه^۲ (ویشنو) در هیئت کلکین بر زمین فرود می‌آید. در خانه ویشنویشس، برهمنی پیشوا در روستای شمبله و ملچه‌ها و دیگر مردم بدکار را نابود خواهد کرد و جهان را بر اساس عدالت، نو خواهد نمود؛ سپس، در پایان گلی‌یوگه، اذهان مردم به شفافیت بلور خواهد شد. از این مردمان جدید، نسلی نوین پدید خواهد آمد که دوره کرته‌یوگه را آغاز خواهند کرد. باگوته پورانه (۱: ۳: ۲۵) می‌گوید که در «شامگاه» گلی‌یوگه، ویشنو در هیئت کلکین از ویشنویشس زاده خواهد شد. همین متن، در جایی دیگر (۱۲: ۲: ۱۶-۲۳) می‌گوید وقتی گلی‌یوگه در حال پایان است، ویشنو خود را در هیئت کلکی در خانه ویشنویشس، رئیس روستای شمبله، ظاهر می‌کند و سوار بر اسبی چابک، درحالی‌که شمشیری در دست دارد، همه مردمان بد را می‌کشد و بدین‌سان دوره کرته‌یوگه آغاز می‌شود. مهابارته (۳: ۱۹۰: ۱۳۰۹۷-۱۳۱۰۶) می‌گوید که در ایام محنت‌بار پایان گلی‌یوگه، برهمن کلکین، که ویشنویشس هم خوانده می‌شود، به نمایندگی از روزگار، در روستای شمبله (سکوتنگاه فرخنده برهمن) زاده می‌شود و با فتوحاتی که در راه دین می‌کند، فرمانروای جهان می‌شود و آرامش را به جهان بازمی‌گرداند و با از بین بردن ملچه‌ها، این یوگه را به پایان خواهد آورد تا [دوره] بعدی بیاید. اما این بخش، به عقیده پژوهشگران، الحاقی است و فعلاً نمی‌توان آن را موردتوجه قرار داد. هریومشه (۲۳۶۷-۲۳۷۳)، به «برهمن کلکین» اشاره می‌کند که ویشنویشس هم خوانده می‌شود، از روستای شمبله، که دهمین تجسد ویشنو در «شامگاه» گلی‌یوگه است. بعدازآن، گلی‌یوگه از بین می‌رود و کرته‌یوگه دوباره آغاز می‌شود. البته، موردتردید است که هریومشه‌ای که مفسرانی همچون «بان»^۳ و «سوبندو»^۴ در آغاز قرن هفتم میلادی می‌شناختند، متضمن این عبارات بوده باشد (Fleet, Jul. 1911: 697-698).

اما مهم‌ترین متنی که به موضوع کلکی پرداخته، «کلکی پورانه»^۵ (पुराण कल्कि) است که در واقع شرح سرگذشت کلکی است. این کتاب متنی است بسیار متأخر و با قالب ادبی

1. Vishṇuśāśas.
2. Vāsudēva.
3. Bāna.
4. Subandhu.
5. Kalkipurāṇa.

پیشگویانه که به شرح زندگی و کارهای کلکی اوتاره در زمان ظهورش، می‌پردازد. دانشمندان، کلکی پورانه را متعلق به حدود سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۷۰۰ میلادی می‌دانند (Doniger, 1988: 5). برخی نیز معتقدند این متن، از قرن شانزدهم میلادی متأخرتر نیست و محل احتمالی نگارش آن را هم در بنگال دانسته‌اند (Rocher, 1986: 183, with footnotes)؛ بر اساس انجامه‌های موجود در بعضی از نسخه‌های خطی، این متن به منزله ادامه‌ای بر متن باگوتیه پورانه است که به امور آینده می‌پردازد (Rocher, 1986: 183, with footnotes). قدیمی‌ترین نسخه موجود، متعلق به سال ۱۷۲۶ میلادی است و در کتابخانه دانشگاه داکا (بنگلادش) نگهداری می‌شود (Rocher, 1986: 183, with footnotes). طبق این متن، ویشنو، به درخواست برهما که همه خدایان برای حفظ جهان به او التجا کرده‌اند، خود را در هیئت نوزادی در منزل ویشنویشس در روستای سَنبَله^۱ ظاهر می‌سازد و او را کلکی می‌نامند. کلکی، در نوجوانی کتب مقدس و علوم باستان را مطالعه می‌کند و چون به سن رشد می‌رسد با پادماوتی^۲، دختر برادرانه^۳ پادشاه سینهاله،^۴ ازدواج می‌کند. کلکی در شهر «کیکته»^۵ نیروهای اهریمنی به‌خصوص بَوداها^۶ و مَلِچه‌ها^۷ را شکست می‌دهد. (Roer, 1986: 183). او «سونیودی‌ها»^۸ را که همراه‌کننده مردم بوده‌اند، در شهر «کیکتپور»^۹ می‌کشد. جنگ دیگری نیز با نیروهای ظلمانی کلی، از جمله با کوکا^{۱۰} و ویکوکا^{۱۱} که فرماندهانی شیطانی هستند، درمی‌گیرد که در آن، کلکی این دو موجود اهریمنی را نابود می‌سازد؛ سپس کلی به دست درمه^{۱۲} (شکل شخصی شده سَتیه‌یوگه^{۱۳} یا

1. Śambhala.
2. Padmavati.
3. Brhadratha.
4. Simhala.
5. Kikata.
6. Bauddhas.
7. Mlecchas.
8. Sunyavadis.
9. Keekatpur.
10. Koka.
11. Vikoka.
12. Dharma.
13. Satya Yuga.

کرته‌یوگه) که قطب مقابل شرارت است، کشته می‌شود. بعد، کلکی از سوی راجه ششیدوجه^۱ (از پرستندگان با ایمان و یشنو، که توانایی غلبه بر کلکی را از جانب او دریافت کرده) مورد حمله قرار می‌گیرد و عمداً تن به شکست می‌دهد، با دختر او رامه^۲ که همسر دوم وی می‌شود، ازدواج می‌کند و بعد از این‌ها، ستیه‌یوگه (دوره آرامش) آغاز می‌شود که زمینه‌ساز دوره طلایی (کرته‌یوگه) است. کلکی زمین را به قلمروهایی بین فرماندهان خود تقسیم می‌کند و قربانی‌هایی برای خدایان انجام می‌دهد. ویشنویس و سوماتی، پدر و مادر کلکی، به سرزمین مقدس بدریکشرم^۳ مهاجرت می‌کنند و تا پایان عمر در آنجا می‌مانند. کلکی بعد از انجام مأموریت خود، با شکل اصلی ویشنویی خود (با چهار دست) ظاهر می‌شود و بعد از این‌که صاحب دو پسر دیگر می‌شود، به «ویکونته»^۴ بازگشته و تا هزار سال به‌عنوان پادشاه شَمبله، فرمانروایی می‌کند.^۵

۶. تأثیر اعتقاد به منجی بر تحولات جوامع هندو

در دوران معاصر، ظهور چند مدعی به‌عنوان «منجی» در قبایل بدوی هندو گزارش شده است. بعضی از این منجی‌ها، خود را فرد موعود در روایات قدیمی قبیله و بعضی نیز خود را یک «موعود آینده» (که برای نجات قبیله بازخواهد گشت) معرفی می‌کردند. این منجی‌ها عمدتاً در صد سال گذشته و در سه منطقه (بخش‌های شمال شرقی مرکز هند، آسام و غرب بنگال و غرب هند) ظاهر شده‌اند. قبایل بدوی ساکن در آن مناطق، با ظهور این منجی‌ها که متأثر از فرهنگ‌های ادیان پیشرفته‌تر بودند، نهضت‌های دینی نجات‌بخش (مسیحایی) را تجربه کردند که در تمام موارد با منافع اجتماعی و اقتصادی آن‌ها پیوند داشته است (Fuchs, 1965: 11-62).

1. Shashidhwaja.

2. Rama.

3. Badrikashram.

4. Vaikuntha.

۵. ترجمه انگلیسی متن کامل کلکی پورانه را می‌توان در این منبع یافت:

Sri Kalki Purana, translated by Bhumipati Das, edited by Purnaprajna Das, Jai Nitai Press, Mathura (UP, India), 2006.

در سال ۱۸۹۵ در قبیله موندا،^۱ در منطقه چوتاناگپور^۲ در شمال شرقی هند مرکزی، شخصی به نام بیرسا^۳ خود را منجی قبیله معرفی کرد و با ادعای دریافت وحی و داشتن معجزات، دین جدیدی برای مردم قبیله اش آورد که مبتنی بر نوعی یکتاپرستی (پرستش بگون)^۴ و نفی پرستش بت‌ها بود و تلاش کرد تا با پیروان خود، حکومتی آرمانی در منطقه برپا کند. او پس از شورش‌هایی خونین علیه استعمارگران بریتانیایی، سرانجام در سال ۱۸۹۷ میلادی شکست خورد و پس از دستگیری، در زندان جان سپرد. بسیاری از مونداها بر این باورند که بیرسا هنوز زنده است و روزی باز خواهد گشت تا آنان را نجات دهد (Fuchs, 1965: 17-20).

در میان اورائون‌ها^۵ از دیگر قبایل بدوی چوتاناگپور نیز چندین «بگت»^۶ (پیامبر) ظهور کردند که پیشگویی می‌کردند یک منجی بسیار نیرومند و نیکخواه برای نجات قبیله از مشقت‌هایی که زیر دست اربابان بیگانه می‌کشد، به زمین فرستاده می‌شود. او آنان را تعلیم خواهد داد و سپس آن‌ها را طی یک دوره تاریکی که هفت شبانه‌روز طول خواهد کشید، از انقیاد و بردگی رها می‌کند. بعد از آن، یک دوره روشنایی خواهد بود که به اندازه هفت شبانه‌روز طول می‌کشد و سپس حکومت منجی برقرار می‌شود. پیامبر الهی بر پادشاهی جدید، حکومت خواهد کرد و آسمان (بهشت) را بر روی زمین خواهد آورد. برخی نیز تعلیم می‌دادند که به جای یک پیامبر، خود خداوند فرود خواهد آمد. با گذشت زمان و ظاهر نشدن هیچ منجی آسمانی، شمار زیادی از اورائون‌ها با خروج از دین جدید این «پیامبران» به همان سبک زندگی سابق خود بازگشتند (Fuchs, 1965: 23-26).

در میان لوشی‌ها^۷ از قبایل ساکن در آسام، در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم، سه تن از بزرگان روستایی به نام «کلکانگ»^۸ با الگو برداری از ماجرای که درباره نزول روح القدس بر حواریون

1. Munda.
2. Chotanagpur.
3. Birsa.
4. Bhagwan.
5. Oraons.
6. bhagat.
7. Lushei.
8. Kelkang.

در کتاب مقدس ذکر شده است، مدعی شدند در کلمات نامفهومی که زمزمه می‌کنند، اراده خداوند را درمی‌یابند. آنان پس از جمع کردن پیروان زیاد و تسلط بر روستا، پیشگویی کردند که پایان جهان نزدیک است. در جنگی که بین پیروان نهضت و سربازان دولت درگرفت، بسیاری از پیروان و دو تن از رهبران جنبش، جان خود را از دست دادند. رهبر اصلی دستگیر شد و اعتراف کرد که هرگز با روح‌القدس در ارتباط نبوده و تمام ادعاهایی که داشته، نادرست بوده است (Fuchs, 1965: 43-46).

در قبیله «کاچا ناگا»^۱ در همان منطقه آسام (تحت حاکمیت سرکوب‌گرانه کوکی‌ها^۲ و بریتانیایی‌ها)، از دهه‌های اول قرن نوزدهم و پیش از آن، یک پیشگویی شایع بود: روزی پادشاهی از همین قبیله ظهور کرده و کوکی‌ها و بریتانیایی‌ها را خواهد راند و بر همه طوایف ناگا حکومت می‌کند. در سال ۱۹۲۳ مردی غیب‌گو در قبیله به نام «جادونانگ»^۳ در روستای «کمبیرون»^۴ ادعا کرد همان شخص موعود است. مبانی دین تازه‌ای که او بنیان نهاد، همان اعتقادات آئیمیمی قبیله ناگا بود؛ اما افزوده‌های زیادی نیز از عقاید هندویی و مسیحی داشت. او دختر جوانی به نام «گایدیلیو»^۵ را که یکی از هواداران وی بود و در حکم کاهنه دین او محسوب می‌شد، با خود کرد. او، خود و آن دختر را خدایانی معرفی کرد که باید از سوی اعضای قبیله، پذیرفته و پرستش شوند. آن‌ها با اعلام این‌که به‌زودی پادشاهی ناگا برپا می‌شود، عده زیادی از مردم را با خود همراه کردند. برنامه او این بود که کوکی‌ها باید قتل عام شوند و اموالشان در جشن بزرگی که برپا خواهد شد، مصرف شود. سپس، دوران هزارساله رهایی آغاز می‌شود. سرانجام «جادونانگ» را دستگیر کردند و به دار آویختند؛ اما گایدیلیو به منطقه‌ای در شمال عزیمت کرد و چند روز بعد از عزیمت او، تمام مناطق تحت سکونت ناگاها در شورش و آشوب فرو رفت. سربازان دولت بریتانیایی پس از جنگ و گریز بسیار، سرانجام گایدیلیو را طی یک عملیات پیچیده در «لاکما»^۶ دستگیر کردند و دادگاه او را به چهارده سال حبس محکوم کرد. گایدیلیو پیش از دستگیری به پیروانش گفته بود

1. Kacha Naga.
2. the Kuki.
3. Jadonang.
4. Kambiron.
5. Gaidiliu.
6. Lakema.

حتی اگر دستگیر شود روح او آزاد است و از زندان می‌گریزد و تنها تکه چوب خشکیده‌ای از او در زندان برجای می‌ماند. او گفته بود در ظاهری مبدل، دوباره پیش یارانش بازمی‌گردد تا دشمنان نتوانند او را بازشناسند. فقط یاران نزدیکش او را می‌شناسند و او آن‌ها را به‌سوی پیروزی هدایت می‌کند (Fuchs, 1965: 46-49).

۷. تطبیق نشانه‌های کلکی اوتاره بر پیامبر اسلام ﷺ و سایر شخصیت‌های تاریخی

اعتقاد به موعود آخرالزمان در بیشتر ادیان وجود دارد و نشانه‌هایی که برای او ذکر شده، کمابیش مشابه هستند؛ مثلاً حاکم ساختن عدالت و نیکی بر جهان و روشن نمودن حقیقت بر جهانیان، یکی از نشانه‌هایی است که در متون هندو نیز برای «کلکی اوتاره» بیان شده است. بعضی از نشانه‌های کلکی در متون هندو را در مکاشفه یوحنا نیز برای شخصی که در آخرالزمان خواهد آمد، می‌توان یافت (Basham, 1967: 309).

یکی از نتایج اعتقاد به تطبیق دوره ما بر دوره کلی یوگه، طرح احتمال تطبیق نشانه‌های کلکی بر بعضی از شخصیت‌های تاریخی است. مشهورترین شخصیتی که تلاش شده، نشانه‌های کلکی اوتاره بر او تطبیق داده شود، حضرت محمد ﷺ بوده است. مهم‌ترین کسی که به ترویج این فرضیه پرداخته، یک دانشمند هندو به نام دکتر «ود پرکاش اوپدهای»^۱ است. او در سال ۱۹۶۹ کتابی با عنوان *کلکی اوتاره و حضرت محمد ﷺ*^۲ منتشر کرد.^۳ وی در کتاب خود، چند دانشمند دیگر هندو را نیز نام برد که با وی هم‌عقیده بودند (Upadhyay, 2004: 49). این کتاب بعد از آنکه توسط یک دانشمند دیگر هندو به نام «آشیت کومار بنداوپدهای»^۴ ویرایش و تکمیل شد، در سطح وسیعی منتشر گردید و مورد استفاده و ارجاع نویسندگان مسلمان قرار گرفت.

در ابتدای کتاب مذکور، دو مسئله اساسی مطرح می‌شود: اولاً، معنای لفظی کلمه اوتاره، با

1. Ved Prakash Upadhyaya.

۲. عنوان هندی کتاب: کلکی اوتار آور محمد صاحب (साहब मुहम्मद और अवतार कल्कि).

۳. این کتاب به فارسی نیز ترجمه و منتشر شده است (محمد در کتاب‌های مقدس هندو، ترجمه سعید کریم‌پور، تهران، راه ابریشم، ۱۳۹۰).

4. Ashit Kumar Bandhupadhyaya.

کلمه «رسول» در عربی، نزدیک است. واژه اوتاره، از دو جزء «او»^۱ و «تو»^۲ تشکیل شده که در کنار هم به معنی «آمدن به جهان» است؛ و اشاره به آمدن کسی به جهان می‌کند که «رابطه‌ای خاص با خدا دارد». این کلمه، دارای همان مفهوم کلمه «نبی» در زبان عربی است (Upaddhay, 2004: 50-51). ثانیاً، دورانی که ما در آن به سر می‌بریم، کلی‌یوگه یا همان آخرالزمان است که متون هندو زمان ظهور کلکی را در آن قرار داده‌اند. این دوره از قرن‌ها پیش آغاز شده و حضرت محمد ﷺ نیز در همین دوره ظهور کرده است. با توجه به اینکه متون هندو پیشگویی کرده‌اند که کلکی سوار بر اسب و با شمشیر جهان را فتح خواهد کرد، نمی‌توان به ظهور او در آینده امید داشت؛ زیرا دوره استفاده از اسب و شمشیر دیگر سپری شده و آینده، عصر وسایل و سلاح‌های پیشرفته است؛ پس کلکی باید پیش‌ازین ظهور کرده باشد (Upaddhay, 2004: 54). از نظر دکتر اوپدهای، شرایطی که در متون هندو برای فرستاده شدن اوتاره‌ها، به‌خصوص کلکی اوتاره ذکر شده نیز عمدتاً با شرایطی که حضرت محمد ﷺ در آن ظهور کرد، تطبیق می‌کند: سست شدن دین در جوامع بشری، تحریف شدن ادیان، ناتوانی پیشوایان دینی از معرفی صحیح دین به مردم، پرستش خدایان غیرواقعی، ضعف دین‌داران و نیرومندی بی‌دینان و ضرورت یافتن ظهور یک قدیس بزرگ (Upaddhay, 2004: 52-53).

دکتر اوپدهای بر همین اساس، به تطبیق نشانه‌های کلکی بر حضرت محمد ﷺ می‌پردازد:

(۱). کلکی در شهر شمبله به دنیا خواهد آمد که در زبان سنسکریت به معنی «مکان ایمنی و آرامش» یا «مکان مورد رجوع همه» یا «مکان نزدیک به آب» است. حضرت محمد ﷺ نیز در مکه به دنیا آمد که هم به سبب دعای حضرت ابراهیم علیه السلام به‌عنوان دارالآمان شناخته می‌شود، هم به دلیل وجود خانه کعبه، مورد رجوع همه قبایل عرب بود، و هم این‌که در کنار چاه زمزم قرار داشت؛

(۲). کلکی در خانه برهمن زاده می‌شود. حضرت محمد ﷺ نیز در خاندانی زاده شد که کلیددار خانه مقدس کعبه بودند؛

(۳). پدر و مادر کلکی، «ویشنویشه» و «سوماتی» نام دارند که به ترتیب به معنی «پرستنده ویشنو» و «آرام و نجیب» هستند. پدر و مادر حضرت محمد ﷺ نیز عبدالله و آمنه نام داشتند

1. ava.

2. tu.

که به ترتیب به معنی «بنده خدا» و «آرام و ایمن» هستند؛

(۴). کلکی آخرین اوتاره خواهد بود. حضرت محمد ﷺ نیز آخرین پیامبر خداوند بود؛

(۵). کلکی به کوه می‌رود و در آنجا معرفت را از «پرشورام»^۱ (به معنی فرستاده «رام» خدای هندو) اخذ می‌کند. حضرت محمد ﷺ نیز به کوه حرا رفت و در آنجا معرفت را که همان آیات قرآن بود از فرستاده خدا، یعنی جبرئیل، اخذ کرد؛

(۶). کلکی بعد از اخذ معرفت به طرف شمال می‌رود و بعد دوباره باز می‌گردد. حضرت محمد ﷺ نیز بعد از چند سال از مکه به مدینه در سمت شمال رفت و سرانجام نیز با پیروزی به مکه بازگشت؛

(۷). کلکی، سوار بر اسبی خواهد بود که با سرعت در آسمان حرکت می‌کند. طبق روایات اسلامی، حضرت محمد ﷺ نیز در شب معراج بر اسبی به نام بُراق (ظاهراً مأخوذ از کلمه برق) سوار شد که با آن تمام آسمان را به سرعت طی نمود؛

(۸). کلکی، آموزگار جهانیان خواهد بود. حضرت محمد ﷺ نیز به جهانیان آموزش داد؛

(۹). کلکی، بدکاران را نابود می‌کند و حضرت محمد ﷺ نیز جنگ‌های زیادی با مشرکان کرد که در بیشتر آن‌ها پیروز بود؛

(۱۰). کلکی، دارای قداست و صفات والا خواهد بود. حضرت محمد ﷺ نیز انسانی مقدس و با خصایل پسندیده بود (Upadhyay, 2004: 74).

اما مخالفان دکتر اوپدهای نیز انتقادات مهمی به استدلال‌های وی دارند:

(۱). بیشتر نشانه‌های کلکی اوتاره تطبیق دقیقی بر حضرت محمد ﷺ ندارند و دکتر اوپدهای در واقع آن‌ها را با مقداری مسامحه، بر آن حضرت تطبیق داده است؛ مثلاً استدلال‌های او در تطبیق دو واژه «اوتاره» (در سنسکریت) و «نبی» (در عربی) از نظر زبانی قابل‌پذیرش نیست؛

(۲). کلکی پورانه که منبع اصلی ارجاعات دکتر اوپدهای است، متنی بسیار متأخر است و پیشگویی‌هایی که در آن مطرح شده، حداکثر تا دوره ویکتوریایی هند تحقق پیدا کرده است؛ از این‌رو به نظر می‌رسد شکل نهایی آن در همین چند قرن اخیر تدوین شده باشد. ضمناً اوصافی که از کلکی در آن بیان شده و بر حضرت محمد ﷺ تطبیق می‌کند، تنها با خصوصیات آن حضرت در

منابع اسلامی سنتی مطابقت دارد و نه با منابع شیعه. این امر با توجه به این که مسلمانان هند در قرون گذشته عمدتاً اهل سنت بوده‌اند، این بدگمانی را که خود مسلمانان یا هندوهایی که به نحوی تحت تأثیر متون اسلامی سنتی بوده‌اند متن مذکور را نوشته باشند، بیشتر می‌کند؛

(۳). دکتر اوپدهای در کتاب خود، نشانه‌هایی را که در کلکی پورانه و بعضی متون دیگر برای کلکی آمده، با نشانه‌های دیگری که برای بعضی اشخاص مبهم یا موهوم استفاده شده (که دکتر اوپدهای بدون ارائه دلیل محکم، آن‌ها را مربوط به منجی آخرالزمان دانسته) درهم آمیخته است و این کار، نظریه وی را ضعیف می‌کند.^۱ در واقع، ما هیچ دلیلی نداریم که همه این نشانه‌ها بر یک نفر دلالت کنند؛

(۴). در متون هندو تأکید شده که کلکی در سال‌های نزدیک به پایان کلی‌یوگه خواهد آمد؛ در حالی که ما - حتی اگر آغاز دوره کلی‌یوگه را از قرون قبل بپذیریم - تازه در «طلیعه» آن هستیم و تا پایان آن هنوز زمان بسیار زیادی مانده است.

به نظر می‌رسد تلاش‌های برخی نویسندگان معاصر در تطبیق نشانه‌های کلکی بر حضرت محمد ﷺ ناشی از تمایل آنان به آرامش مذهبی و کاستن از تنش‌های میان هندوها و مسلمانان در شبه‌قاره هند باشد. البته اعتقاد به اینکه اوصاف حضرت محمد ﷺ و حتی حضرت علی ﷺ در متون قدیمی هندو آمده، اخیراً به‌عنوان «رازی پوشیده و مکتوم» حتی از برخی روحانیان هندو نیز روایت شده است.^۲ همچنین در منابع کلامی اسلامی، به‌خصوص شیعی، مطالبی از بعضی متون قدیمی هندو نقل شده که به زعم نویسندگان منابع مذکور، دلالت بر حضرت

۱. مثلاً اصرار دکتر اوپدهای و دکتر بنداوپدهای بر این که دو واژه ناراشنس (narashangsai) و «ماماهه» (mamaha) در بعضی متون هندو، اشاره به فردی است که در آخرالزمان، ظهور خواهد کرد؛ البته خود دکتر اوپدهای هم در مقدمه کتابش به ناهمخوان بودن قرائت خودش از کتابهای مقدس هندو با ترجمه‌های دیگر، اعتراف کرده است (Upadhyay, 2004: 3-36, 129-131).

۲. سید محمد مختاری از یک روحانی هندو نقل کرده که: «علی ﷺ در کتب مذهبی ما مورد ستایش قرار گرفته و ذکرش با ذکر پیغمبر آخرالزمان آمده و حتی محل تولدش هم پیشگویی شده است...؛ اما آن کتاب‌ها همه‌جا و در دسترس همه‌کس نیست و هر کسی هم نمی‌تواند از آن‌ها استفاده کند» (سیالکوتی، ۱۳۷۰: ۱۱-۱۲). در همین کتاب، بشارت‌هایی از دو قدیس بزرگ هندو، کرشن و بودا هم درباره حضرت محمد ﷺ و حضرت علی ﷺ نقل شده است (سیالکوتی، ۱۳۷۰: ۱۹-۲۴، ۴۳-۵۲). که ارجاع آن به منابعی است که تا کنون کار علمی دقیقی روی آنها صورت نگرفته است.

مهدی علی دارند.^۱ درباره صحت و سقم این نقل قول‌ها و چگونگی دلالت آن‌ها بر مدعای این منابع، هنوز تحقیق کامل و دقیقی انجام نشده است. ضمناً پیروان مدعیان جدید پیامبری مانند سری بگون در هندوستان، غلام‌احمد قادیانی در هند و پاکستان، و میرزا حسین‌علی نوری (بهاء‌الله) در ایران هم نشانه‌های کلکی اوتاره را بر شخصیت‌های مذکور تطبیق داده‌اند (Lewis, 2016: 488; Juergensmeyer, 2006: 520; Bassuk, 1987: 146).

اما تطبیق کلکی بر اشخاص مزبور، صرفاً بر اساس نگاه باورمندانه پیروان آنان صورت گرفته است و در واقع هیچ کدام آنها دارای نشانه‌های ظاهری که در متون هندو برای کلکی ذکر شده، نیستند.

نتیجه‌گیری

متون هندو، به ما می‌گویند که در سالهای نزدیک به پایان کلی یوگه، آخرین دوره از مراحل چهارگانه دوران بزرگ (مها یوگه) که دوره‌ای پرشقاوت و ظلمانی است، یک قدیس بزرگ به نام کلکی ظهور می‌کند که در واقع، یک «اوتاره» یا تجسم خدا (ویشنو) است. طبق سنت هندو، تعداد تمام اوتاره‌ها که باید در یک دوره بزرگ (مها یوگه) ظهور کنند ده تا است که تاکنون نه تا از آنها ظهور کرده‌اند و آخرین آنها، کلکی، در آخرازمان ظهور خواهد کرد. او خواهد آمد تا با نابود کردن بدکاران، شرایط لازم را برای ارتقاء فرهنگ و بینش مردم فراهم کند و مرحله گرتّه یوگه (اولین مرحله از مها یوگه بعدی) را آغاز نماید. بین متون متقدم و متأخر هندو، درباره نشانه‌های او توافق کامل وجود ندارد و توصیفات مختلفی از نشانه‌های کلکی و نحوه ظهور و عملکرد او ارائه می‌دهند. در میان پورانه‌ها، کلکی پورانه بیش از بقیه به شرح سرگذشت کلکی و کارهای بزرگ او پرداخته است. ممکن است آموزه کلکی اوتاره، تحت تأثیر ادیانی که هندوها با آنان در تماس بوده‌اند پدید آمده باشد، ضمن آنکه این آموزه، دارای شخصیت‌هایی مشابه در تعالیم بودا و دین سیک هم هست. برخی دانشمندان، نام کلکی و داستانهای مربوط به او را برگرفته از یک شخصیت واقعی دانسته و کوشیده‌اند او را در میان شخصیت‌های تاریخی هند جستجو کنند. با توجه به اینکه زمان نگارش متن فعلی کلکی پورانه بسیار متأخر است و شکل

نهایی آن احتمالاً در همین سه یا چهار قرن اخیر تدوین شده است، استفاده از آن برای آگاهی از دیدگاه اصلی و باستانی هندوها درباره کلکی مناسب نیست و کسانی که از آن برای تطبیق ویژگی‌های کلکی بر بعضی شخصیت‌های تاریخی همچون پیامبر اسلام ﷺ استفاده کرده‌اند، به مخدوش بودن اعتبار آن توجه نکرده‌اند.

با آنکه اعتقاد به منجی آخرالزمان دارای شواهد محکم در متون هندو است، اما به نظر می‌رسد که تأکید وداها بر اهمیت سایر عقاید، آن را تا حدی به حاشیه رانده است، زیرا در سنت هندو، اعم از متون مقدس و همچنین آثار فرهنگی همچون نگاره‌ها و شمایل‌ها، توجه کمتری به این موضوع می‌بینیم. از سوی دیگر، عقیده به «منجی» (نه لزوماً کلکی) در میان قبایل بدوی ساکن در هند نیز دیده می‌شود، به‌خصوص آنکه در یکی دو قرن اخیر، جنبش‌های دینی متعددی در میان این قبایل به وجود آمده که تعدادی از آنها موعودگرا و دارای دیدگاه آخرالزمانی هستند، اگرچه ردپای باورهای مسیحی و اسلامی نیز در آنها دیده می‌شود. به‌طور کلی باید گفت که اندیشه منجی موعود در آیین هندو، اندیشه‌ای است که ریشه در باورها و متون کهن هندو دارد، اگرچه در قرون گذشته به دلایلی مورد اعتنا و توجه کافی قرار نگرفته است.

منابع

الف. منابع فارسی

۱. ابوطالبی، صادق، (۱۳۹۳)، *گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در آیین هندو*، در: علی موحدیان عطار، *گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، چاپ دوم.
۲. اوپادهی... و بند اوپادهی...، (۱۳۹۰)، *محمد ﷺ در کتاب‌های مقدس هندو*، ترجمه سعید کریم‌پور، انتشارات راه ابریشم، تهران، چاپ اول.
۳. ایونس، ورونیکا، (۱۳۸۱)، *شناخت اساطیر هند*، ترجمه محمدحسین باجلان فرخی، انتشارات اساطیر، چاپ اول.
۴. سیالکوتی، حکیم سید محمود، (۱۳۷۰)، *علی و پیامبران*، ترجمه سید محمد مختاری، مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت، تهران، چاپ سوم.

ب. منابع انگلیسی

5. Basham, Arthur Llewelly, (1954 rep. 1986), *The Wonder that was India*, Rupa. Co., Calcutta.
6. Bassuk, Daniel E., (1987), *Incarnation in Hinduism and Christianity: The Myth of the God-Man*, The Macmillan Press Ltd (reprint: 1993 by Antony Rowe Ltd), London.
7. Brockington, J. L., (1998), *The Sanskrit Epics*, Brill Academic, Leiden.
8. Coulter, Charles Russell, (2000), *Encyclopedia of Ancient Deities*, Turner, Patricia, Chicago & Fitzroy Dearborn, London.
9. Dhavan, Purnima, (2011), *When Sparrows Became Hawks: The Making of the Sikh Warrior Tradition, (1699-1799)*, Oxford University Press, New York.
10. Dimmitt, Cornelia and van Buitenen, J. A. B., (2012), *Classical Hindu Mythology: A Reader in Sanskrit Puranas*, Temple University Press, Pennsylvania.
11. Doniger, Wendy, (2004), *Hindu Myths: A Sourcebook Translated from the Sanskrit*, Penguin Books, London.
12. Doniger, Wendy, (1988), *Textual Sources for the Study of Hinduism*, Manchester University Press, Manchester.
13. Dowson, John, (1888), *A Classical Dictionary of Hindu Mythology and Religion, Geography, History, and Literature*, Trübner & Co., London.
14. Ellwood, Robert S, and Alles, Gregory D. (eds.), (2007), *The Encyclopedia of World Religions*, Facts On File, Inc., New York.
15. Fleet, J. F. (Jul. 1911), *The Kaliyuga Era of B.C. 3102*, in: *The Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland, The Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland (Published by: Cambridge University Press)*, pp. 675-698.
16. Flood, Gavin, (2003), *The Blackwell Companion to Hinduism*, Blackwell Publishing, Malden (Massachusetts).
17. Fuchs, Stephen, (1965), *Messianic Movements in Primitive India*, in: *Asian Folklore Studies*, vol, 24. No. 1, pp. 11-62.
18. Hudson, D. Dennis, (2008), *The Body of God :An Emperor's Palace for Krishna in Eighth-Century Kanchipuram*. Oxford University Press, New York.
19. Jones ,Constance A. and Ryan, James D. (2007), *Encyclopedia of Hinduism*, Facts on File, New York.
20. Jones, Lindsay (ed.), (2005), *Encyclopedia of Religion*, (2nd edition), Thomson Gale, New York.
21. Juergensmeyer, Mark, (2006), *Oxford Handbook of Global Religions*, Oxford University Press, Oxford.

22. Klostermaier, Klaus K, (2003), *A Concise Encyclopedia of Hinduism*, Oneworld, Oxford.
23. Lewis, James R. and Tollefsen, Inga B., (2016), *The Oxford Handbook of New Religious Movements*, (vol 2.), Oxford University Press, Oxford.
24. Lopez, Donald S, (2007), *Buddhism in Practice*, Princeton University Press, Princeton and Oxford.
25. Mitchiner, John E, (2000), *Traditions of the Seven R̥ṣis, Motilal Banarsidass*, Delhi.
26. Monier-Williams, Monier, (1960), *Sanskrit English Dictionary with Etymology*, Oxford University Press 1899, Reprinted by Motilal Banarsidass.
27. Pattanaic, Devdutt, (2003), *Indian Mythology*, Inner Traditions, Vermont.
28. Ramen, Fred, (2008), *Indian Mythology*, The Rosen Publishing Group, Inc, New York.
29. Reimann, Luis Gonzalez, (2002), *The Mahabharata and the Yugas: India's Great Epic Poem and the Hindu System of World Ages*, Peter Lang, New York.
30. Rinehart, Robin, (2011), *Debating the Dasam Granth*, Oxford University Press, New York.
31. Rocher, Ludo, (1986), *The Purāṇas In: Jan Gonda (ed.), A History of Indian Literature*, Otto Harrassowitz Verlag, Wiesbaden, Vol. II.
32. Sharma, Arvind, (2012), *Religious Studies and Comparative Methodology: The Case for Reciprocal Illumination*, State University of New York Press, New York.
33. Sharma, Ram Sharan, (1982), *The Kali Age: A Period of Social Crisis*, in: S.N. Mukherjea, ed., *India: History and Thought (Essays in Honour of Professor A.L. Basham)*, Calcutta.
34. Shastri, Jagdish Lal; Kunst, Arnold; Bhatt, G. P, (1988), *Ancient Indian Tradition & Mythology (Puranas in translation)*; Motilal Banarsidass, Delhi, vol. 27.
35. Schmidt-Leukel, Perry, (2017), *Religious Pluralism and Interreligious Theology*, Orbis Books, New York.
36. Upadhdhay, Ved Prakash & Bandhupaddhay, Ashit Kumar, (2004), *Muhammad in the Hindu Scriptures*, trans. Into English by Muhammd Alamgir, A.S. Noordeen, Kuala Lumpur (Malaysia 4th print).
37. Werner, Karel, (2005), *A Popular Dictionary of Hinduism*, Curzon Press, Richmond.